

آیا با لا کان می توان انقلابی بود؟

[مقالاتی در روان کاوی و فلسفه‌ی پست مدرن]

مختیار علی

مترجم
سردار محمدی



۱۳۹۳

سرشناسه:	علی، بختیار، ۱۳۶۰ - Eli, Bextiyar
عنوان قراردادی:	سیوی سیبیم، درسی
عنوان و نام پدیدآور:	آیا با لاگان می توان عملایی بود؟ (سوالاتی در روان‌کاوی و فلسفه‌ی پست‌مدرن)
مشخصات نشر:	بختیار علی؛ ترجمه سید محمد... تهران: افراز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری:	۲۵۶ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۲۶-۱۴۰-۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فبا
عنوان دیگر:	مقالاتی در روان‌کاوی و فلسفه‌ی پست‌مدرن.
موضوع:	فراآجدد -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع:	فلسفه جدید -- قرن ۲۰ م. -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع:	روان‌کاوی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
شناسه افزوده:	محمدی، سردار، ۱۳۶۱ -، مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ ۹۰۴۱ س ۸/ع ۸۳۱/۲
رده‌بندی دیویی:	۱۴۹/۹۷
شماره کتابشناسی ملی:	۳۵۰۶۴۳۵



انتشارات افراز

مرکز فروش: خیابان فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، بن بست افشار، پلاک ۱، واحد ۵

تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز پخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

آینده انسان سی‌تان انقلابی بود؟

نویسنده: یار علی

مترجم: سردار محمدی

نوبت چاپ: ۱۲

طراحی جلد: یاسین محمدی

آرایش صفحات: یاسین محمدی

ایلوگرافی / چاپ / صحافی: ترنج / تصویر / چاپ

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۵۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله، چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۹	مقدمه‌ی مناسبت
۱۳	آیا می‌توان به مقایسه با نظام برخاست و از آن عبور کرد؟
۱۳	نگاهی به نظام‌های غربی
۱۸	ارنست بلوخ و «نور نشده است»، در مقایسه با نظریات ژاک دریدا
۳۰	جان هالووی: نظام‌های می‌توانند
۳۸	مسأله‌ی سوژه در اندیشه رادو گوبلر
۴۹	سیب سوم
۴۹	درباره‌ی گفتمان و تفاوت
۸۱	آیا با لاکان می‌توان انتقالی بود؟
۸۱	راهی به دنیای ژاک لاکان
۸۹	لاکان و مسأله‌ی سوژه
۱۲۱	درباره‌ی غربی‌های مرگ
۱۲۱	چرا فروید هنوز در شرق زنده است؟
۱۶۱	زیبایی‌های آشوب
۱۶۱	از نقد اودیپوس به سوی نقد کاپیتالیزم
۱۶۱	در ستایش حاشیه
۱۶۱	درباره‌ی ساد
۲۴۴	بودلر

مقدمه‌ی مؤلف

یکی از مسائلی که در ذهن این مؤلف است که نظام سیاسی و اقتصادی حاکم بر آن، غیرقابل تغییر و بهبودی نظر می‌رسد. یعنی همچون نظامی جلوه می‌کند که پایانی بر آن نیست و قدرت اجباری کذب آن از بحران‌های عظیم، آن‌چنان نیرومند است که دیگر نمی‌توانیم رؤیای ناب‌تری در سر داشته باشیم. در این میان، دلیل اصلی مرگ امید تغییر نظام و تقیید واژه‌های «سقوط» و «تغییر» در دوران کنونی، آن‌گونه که در میان مردم سراسر نوزدهم و بیستم مشهود بود، شکست تئوری و نظریات کلاسیک در مورد انقلاب و دیکتاتوری و نظام‌های ضدبشری حاصل از این ایده‌ها است. به‌گونه‌ای که در هر زنگشت به آن واژه‌ها کاری عجیب و غیر معمول و گاه نادرست است... گویند این واژه‌ها پیوسته ما را به دیکتاتوری و ظلم و ستم برمی‌گردانند. در این جا هدف از نوشتن این مقاله‌ی موجود در این کتاب یافتن پاسخ به یک این سؤال‌های اساسی است: آیا نظامی همیشگی و دائم‌البقا وجود دارد؟ آیا نظامی بسته^۱ و بدون مفر می‌توان یافت که

۱. برداشت بختیار از مفاهیم «باز» و «بسته» همان مفاهیمی است که کارل پوپر از آن برای تعریف نمودن نظام حکومتی استفاده می‌نماید. پوپر در کتاب مهم خود، جامعه‌ی باز و دشمنان آن، دو نوع جامعه را از هم تفکیک نموده است. جامعه‌ی باز همان جامعه‌ی دموکراتیک است و جامعه بسته به جوامع دیکتاتوری و مستبد اشاره دارد. (تمامی پاورقی‌های کتاب از مترجم فارسی است.)

هیچ راه گریز و برون‌رفتی از محاصره‌ی آهنین آن وجود نداشته باشد؟ آیا نظامی همیشگی وجود دارد، به‌گونه‌ای کامل و بدون اشکال که در درون دچار ناهماهنگی و مبارزه نشود؟ برای پاسخ به این سؤال راه‌های مختلفی پیش روی خود داریم: می‌توان همچون فوکویاما بگوییم که نظام حاکم بر جهان امروز، پایان تاریخ است و والاترین نقطه‌ی نظام اجتماعی است که نمی‌توان آلترناتیوی برای آن یافت... می‌توان مانند چپ‌گراهای سنتی به نظریات کلاسیک در باب انقلاب بازگشت و بگوییم شکست این نظام با ضربه‌ی طبقه‌ی انقلابی حتمی است و آن‌چه امروز نیازمند آن هستیم یک حزب انقلابی است که بتواند رهبری جنبش از بین برنده‌ی این نظام را بر عهده گیرد. یا بتوانیم کار را از این هم ساده‌تر کرد و به دیالکتیک مارکسیستی بازگشت و گفت که سکس‌پل در به‌داری امری قطعی است و ما تنها باید منتظر لحظه‌ی وقوع آن باشیم. این دیدگاه هرچه در دو جبهه‌ی مخالف هم قرار دارند اما به باور من دوروی یک سکه هستند. یکی بر سر ابدیت یک نظام تأکید دارد و دیگری بر قطعیت تغییر و انقلاب. در هیچ انقلابی بودن همیشگی و بدون تغییر، تمایز چندانی با محافظه‌کاری (اصلاً یک همیشگی ندارد. این کتاب در همین ابتدا این دورویکرد را به کناری می‌نهد... پسروان این دورویکرد بهتر است همچنان بر مناقشه‌ی بی‌فایده‌ی خود ادامه دهند. من در این جا رویکردی متمایز و تاحدودی دشوارتر از این دورویکرد را انتخاب خواهم کرد.

در هر سه مقاله تلاش من بر این است که به دنبال خوانش‌هایی باشم که ما را به بیرون از نظام هدایت کنند و ما را از محاصره‌ی خودمان این‌جا و از جبر «آن‌چه موجود است» رهایی بخشند. در این کتاب تلاش من سواً از شکافی که در داخل هر نظام وجود دارد و راه را بر حکومت همیشگی و ابدی می‌بندد، صحبت شود. در این مقاله‌ها سروکار من با فلسفه، جامعه‌شناسی و روان‌کاوی جدید است. در هر سه مقاله به دنبال رویکردی هستم که در مخالفت و مقابله با «متافیزیک کمال» فعالیت می‌کند. در بخش نخست، در پی فلسفه‌ی ارنست بلوخ، جان هالوی، ژاک دریدا و اسلاوی ژیزک هستم که ما

را به بیرون از نظام هدایت خواهند کرد. در مقاله‌ی دوم صحبت از احتمالی خواهیم نمود که در پروسه‌ی انتخاب و تصمیم فردی و اجتماعی وجود دارد و همیشه نیز وجود خواهد داشت. سیب سوم استعاره از آن شرایط و امکاناتی است که در جامعه راه را برای امکان و شرایط جدید هموار خواهند کرد. در بخش سوم به دنبال دیدگاه‌های ژاک لاکان در مورد شخصیت روانی انسان هستیم که امکان دارد در خدمت رام نشدن و تسلیم‌ناپذیری انسان قرار گیرند.

تلاش من بر این بوده است تا این کتاب دریچه‌ای به دنیای نظریات جدید در فلسفه و اندیشه معاصر باشد. در مجموع این کتاب تلاشی است در راستای این که ظاهر و عینیت به هر نظامی که خود را ابدی و بدون تغییر می‌پندارد، اما روشن است که ساختن این شک و گمان در مرحله اندیشه و دیدگاه فلسفی کار بسیار دشوار و عظیم است و ما را به‌سوی مبنای دیگری از اندیشه خواهد برد که نمی‌توانیم از آن چشم‌پوشی کنیم. مسائلی مانند مسأله‌ی «سوژه» در فلسفه، معنای «گفتمان» و معنای «انتاقیسم» و مسأله‌ی «امر محال» در فکر معاصر.

اندیشیدن به تغییر نظام کار جدیدی از اندیشیدن در مورد سوژه، طبیعت اجتماع و وضعیت هستی‌شناسی انسان و موجودی سرگردان از پیدا به ناپیدا نیست. به همین خاطر این مسائل و مشکلات در جایی جایی این کتاب خواهند آمد و جایگاه مهمی را در هر سه مقوله دارند. تصمیم بر این بود در این کتاب تعداد دیگری مقاله نیز گنجانده شود، به‌ویژه مقاله‌ی دسپوتیسم، غیابیت، سیاست که قبلاً بخشی از این روزنامه‌ی

۱. despotism: دسپوتیسم یا خدایگان سالاری. از دسپوتس در زبان یونانی به معنای ارباب و حاکم گرفته شده و مراد از آن اقتداری است که هیچ حد قانونی و سنتی ندارد و خودسرانه به کار برده می‌شود. دسپوتیسم اغلب معنای منفی دارد و برابر بی بند و باری است؛ اما گاه از «دسپوتیسم روشنفکرانه» نیز سخن می‌رود که مراد از آن آن‌گونه حکومت آرمانی است که افلاطون و برخی از اندیشه‌گران روزگار او، خواهان آن بوده‌اند. در این نوع حکومت قدرت مطلق می‌باید در دست رهبر روشن ضمیری قرار گیرد که با ایده‌های فلسفی خود جامعه را در جهت خیر و برکت راهنمایی کند. «دسپوتیسم شرقی» مفهوم تازه‌ای از دسپوتیسم

«روزنامه‌ها» منتشر شده بود، اما آوردن آن مقاله‌ها حجم کتاب را به گونه‌ای افزایش می‌داد که با هدف ما متناسب نبود. به همین دلیل فکر افزودن آن مقالات را از سر بیرون کردیم و کتاب را در همین فرم موجود منتشر نمودیم. از این رو کتاب در برگیرنده‌ی سه مقاله و یک گفت‌وگو^۱ است که قبلاً در هیچ نشریه و یا کتاب دیگری منتشر نشده‌اند.

← است که مقصود از آن نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر تمدن‌های کهن شرقی همچون چین، هند و ایران است.

۱. گفت‌وگوی ذکر شده بیشتر به بررسی مسائل مربوط به ناسیونالیسم کردی و نقش جنبش‌های کردی می‌پردازد که با بحث اصلی کتاب همخوانی نداشت. از این رو در ترجمه‌ی کتاب و با اجازه از مؤلف، از آوردن آن امتناع نمودیم.